

نقدی بر کتاب وفاداری و رهبری در جامعه اوایل دوره اسلامی و ترجمه‌های آن

پروین ترکمنی‌آذر*

چکیده

جامعه اسلامی در قرون سوم و چهارم هجری به علت تسلط آل‌بویه، حکومت‌گران ایرانی و شیعی بر دستگاه خلافت عباسی سنی‌مذهب، دارای اهمیت است و به همین علت مورد توجه ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان قرار گرفته است. تحقیق درباره این دوره از تاریخ به شناخت دقیق از جامعه اسلامی، جامعه ایرانی، و هم‌چنین دیدگاه‌های اهل تسنن و تشیع نیاز دارد. کتاب متحده با رویکردی به دو مؤلفه رهبری و وفاداری در جامعه اسلامی و با تأکید بر دوره آل‌بویه نگاشته شده است. این‌که نویسنده تا چه اندازه توانسته است فهم دقیقی از تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام ارائه دهد و مترجمان در رفع کاستی‌های مؤلف موفق عمل کرده‌اند سؤالاتی بوده که مقاله حاضر به‌روش تطبیقی درصدد نقد اثر و ترجمه‌های آن با دو رویکرد نقد درونی و بیرونی اقدام کرده است. نتیجه نشان می‌دهد که اثر با وجود داشتن نوآوری و خلاقیت در انتخاب بحث‌های اجتماعی، به علت عدم شناخت صحیح مؤلف از جامعه اسلامی و آداب و فرهنگ ایرانی، دچار اشکالاتی در فهم و انتقال آن شده است. درضمن ترجمه اول، به علت هم‌خوانی مترجمان به لحاظ تخصص علمی توانسته است ترجمه قابل قبول‌تری ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: نقد، وفاداری، رهبری، جامعه اسلامی قرن سوم و چهارم هجری، آل‌بویه.

۱. مقدمه

قرن سوم و چهارم هجری در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن ایران اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. از این دوره با عباراتی هم‌چون دوره رنسانس اسلامی (متز ۱۳۶۴)، عصر نوزایی اسلام

* استاد پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی، ptorkamanyazar@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۱

(فرای ۱۳۵۸)، یا عصر زرین فرهنگ ایران (همان) یاد شده است. در این دوره از تاریخ ایران، هرچند شاهد حکومت‌های متقارن در مناطقی از ایران زمین هستیم، ولی حکومت آل‌بویه با ویژگی‌های خاص بزرگ‌ترین و مطرح‌ترین آن‌هاست. تسلط بر بخش وسیعی از ایران و قلمرو اسلامی، تسلط بر بغداد و خلیفه، احیای آداب و رسوم ایرانی، پای‌بندی به سنت‌های ایرانی، و داشتن مذهب شیعه از نوع زیدی و سپس اثنی‌عشری از جمله ویژگی‌های این حکومت است.

کتاب مورد‌ارزیابی با عنوان *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society* نوشته روی متحده است. نویسنده ایرانی تبار و زاده و بزرگ‌شده آمریکاست و در حال حاضر استاد تاریخ و رئیس بخش علوم اسلامی دانشگاه هاروارد است. او شرق‌شناس و ایران‌شناس است و به‌خصوص درباره آل‌بویه تحقیق کرده است. کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۹۸۰ م و چاپ دوم آن با تجدیدنظر نویسنده در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده است. محمدرضا مصباحی (مترجم) و علی یحیایی (پژوهش‌گر تاریخ آل‌بویه) در سال ۱۳۸۸ به ترجمه کتاب اقدام کردند. بار دیگر محمد دهقانی در سال ۱۳۹۴ ترجمه جدیدی از آن ارائه داد.

نقد و ارزیابی یک اثر علمی، به‌خصوص تحقیق تاریخی، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از نقد دیگر علوم متمایز می‌کند. در مقاله حاضر، اثر تحقیقی متحده با رویکردی به‌صورت بیرونی و هم‌چنین ساختار درونی و هم‌چنین صورت بیرونی بررسی خواهد شد. باتوجه‌به این‌که نقد معطوف به اصلاح و بهبود است و موجب پویایی و توسعه دانش و اندیشه می‌شود، این مقاله درصدد است با نقد یک متن تاریخی به حقایقی نسبی از دوره موردنظر دست یابد و با اعتبارسنجی یک متن بر ارزش آن یا تحقیقات تاریخی دیگر بیفزاید و در صورت لزوم معیارها و راه‌کارهایی برای بهبود تحقیقات تاریخی ارائه کند. نقد حاضر در مرحله اول درصدد دستیابی به مشکلات و آسیب‌های احتمالی یک تحقیق علمی است، ضمن آن‌که معطوف به اصلاح و بهره‌گیری بیش‌تر از آن نیز است و در مرحله بعد به ارزیابی و مقایسه دو متن ترجمه‌شده از کتاب خواهد پرداخت.

۲. نقد بیرونی

در نقد اثر تاریخی برای ارزش‌گذاری بر ماهیت متن و برای رسیدن به صحت آن، یکی از مؤلفه‌ها شناخت زیستگاه و جایگاه محقق یا نویسنده است. بدین منظور، می‌باید رابطه متن با محقق به‌لحاظ زمان، مکان، محیط، تاریخ، جامعه، و فرهنگ بررسی شود؛ این‌که

احوال و افکار و عقاید و باورهای محقق تا چه اندازه در تبیین و تحلیل مطالب بر او تأثیرگذار بوده است.

پرداختن به تحقیق دربارهٔ دوره‌ها و موضوعات تاریخی مستلزم تسلط کافی است. هرچه محقق تاریخ به‌لحاظ زمانی، مکانی، یا یکی از دو مؤلفه با موضوع موردبحث نزدیکی داشته باشد، تبیین و تحلیل به حقیقت نزدیک‌تر می‌شود. موضوع انتخاب‌شده در فاصلهٔ زمانی حدود ده قرن پیش از محقق رخ داده است و محل وقوع آن به‌لحاظ مکانی از زیستگاه محقق بعد مسافت دارد. به همین سبب، درعین‌آن‌که تحقیقات تاریخی صورت‌گرفته توسط غربی‌ها به‌لحاظ روش‌مند بودن از امتیاز بالایی برخوردار است، ولی تفاوت فرهنگی می‌تواند تفاوت فهم از رویدادها را موجب گردیده و دریافت و رسیدن به حقیقت وقایع را با مشکل روبه‌رو کند.

بدین ترتیب، تلاش محقق برای رسیدن به حقیقت نسبی می‌باید چندین برابر گردد. مسلماً می‌باید اطلاعات همه‌جانبه‌ای به‌لحاظ تاریخی، جامعه‌شناسی، معرفت‌دینی، و فرهنگی جامعهٔ اسلامی قرن سوم و چهارم هجری در کلیت و جامعهٔ ایرانی دورهٔ آل‌بویه به‌صورت جزئی‌نگرانه توسط محقق کسب شود.

رسیدن به حقیقت نسبی در تاریخ به آگاهی و تسلط به موضوع نیاز دارد. امروزه هیچ‌یک از ما نمی‌تواند دورهٔ آل‌بویه را مشاهده کند یا به تجربه دریابد. تنها مرجع رسیدن به حقیقت نسبی دربارهٔ دورهٔ آل‌بویه یا جامعهٔ اسلامی قرن چهارم و پنجم هجری آشنایی با اسلام، جامعهٔ اسلامی، و هم‌چنین جامعهٔ ایران است که فقط از طریق منابع تاریخی امکان‌پذیر است. البته محقق تاریخ می‌باید با مطالعات جانبی برای رسیدن به حقیقت موردنظرش تلاش کند.

مؤلفهٔ مهم دیگر اطلاعات و منابع خبری مورد استفادهٔ محقق و میزان اعتبار آنهاست و این‌که آیا او توانسته است بی‌طرفانه و البته آگاهانه از همهٔ منابع استفاده کند. در بررسی متن تاریخی، استفادهٔ محقق از منابع دست‌اول دارای اهمیت است و چون محقق انگلیسی‌زبان است، مسلماً سؤال بعدی این خواهد بود که آیا محقق به زبان اصلی متون تسلط کافی دارد و توانسته از منابع اولیه به زبان اصلی آن سود جوید یا از ترجمه‌های آن به زبان انگلیسی استفاده کرده است. یک بحث علمی می‌باید ابتدا از منابع مورد استفاده شروع و پس از معرفی منابع اصلی به نقد آنها اقدام کند. متحده این رویکرد را در مقدمه و در فصول مختلف کتابش نداشته است و فقط از طریق توضیحاتی که در پایان کتاب آمده مشخص

می‌شود که نویسنده به منابع اولیه و به زبان اصلی آن‌ها دست‌رسی داشته است، ولی از تحقیقات جدید در زمینه خلافت عباسی و حکومت آل‌بویه استفاده نکرده است. مطلب دیگری که می‌باید در نقد بیرونی مورد توجه قرار گیرد رعایت چهارچوب‌های مربوط به یک تحقیق علمی است. آیا میان مطالب بررسی شده به لحاظ صوری توازن برقرار است؟ فصل‌بندی‌ها با توجه به بررسی پیشینه موضوع، متن اصلی، و نتیجه‌گیری در قالب یک تحقیق تاریخی صورت گرفته است؟ این‌ها سؤالاتی است که در ادامه سعی شده به آن‌ها پاسخ داده شود. کتاب مقدمه‌ای حدود پنجاه صفحه‌ای دارد که با عنوان فصل اول مشخص شده است. مقدمه شامل کلیاتی برای ورود به بحث اصلی است. فصل دوم با عنوان وفاداری اکتسابی حدود شصت صفحه است که در این فصل نویسنده به سوگند وفاداری میان خلفا و امرا، امیر و کارگزاران، کارگزاران مختلف، بخشندگی شاهانه و پیوندهای برآمده از نعمت، بنده‌پروری، و ویژگی وفاداری اکتسابی می‌پردازد. فصل سوم با عنوان وفاداری گروهی در هفتاد صفحه است که شامل مطالبی درباره ارزش فرد و گروه و تمایز مراتب اجتماعی، و برخی از گروه‌های اجتماعی از جمله دبیران، سپاهیان، رعیت، و عیاران است. فصل آخر با عنوان عدالت، سلطنت، و شکل جامعه در هفت صفحه است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نویسنده نتوانسته است نظم منطقی بین مقدمه و فصول به لحاظ موضوعی و حجم مطالب برقرار کند، ضمن آن‌که متن فاقد نتیجه‌گیری است.

۳. نقد درونی

در این قسمت، اشاره‌ای مختصر به دوره مورد بحث در چهارچوب محتوای موضوعی اثر تألیفی ضروری می‌نماید. متحده (نویسنده کتاب مورد بحث) به خوبی عوامل اثرگذار بر جامعه قرن سوم و چهارم هجری را دریافته و تأثیر آن را در ساختار سیاسی نیز لحاظ کرده است. در فصل وفاداری گروهی با دیدگاهی نو و خلاقانه به وفاداری‌های گروهی و تقسیمات جامعه و اوضاع آن پرداخته است. هم‌چنین نقش اعیان و مشایخ و بزرگان شهری در حوادث تاریخی و حمایت از مردم شهری به خوبی بررسی و بازگو شده است. به علاوه، نویسنده اوضاع طبقات اقتصادی، اداری، و نظامی جامعه آل‌بویه را به خوبی و نوآورانه ترسیم کرده است. در توضیح از نسب و حسب توانسته نظرات خوبی با مصادیق تاریخی مناسبی، به خصوص در جابه‌جایی طبقات اجتماعی برپایه حسب و نه نسب ارائه دهد (Mottahedeh 2001: 110).

با وجود برتری‌های متن، به نظر می‌رسد مؤلف چند نکته را از نظر دور داشته است. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، تحقیق با رویکرد به دو مؤلفهٔ وفاداری و رهبری در قرن سوم و چهارم و با تأکید بر حکومت آل‌بویه تدوین شده است. بدین ترتیب شناخت از جامعهٔ اسلامی به لحاظ حضور قدرت خلیفه در دستگاه خلافت اسلامی مستقر در بغداد و جامعهٔ ایرانی به لحاظ تسلط خاندان بویه بر خلیفه در این مقطع از تاریخ و همچنین استیلای آنان بر بخش بزرگی از قلمرو اسلامی ضروری است. مسلماً آداب و فرهنگ و سنن حاکم بر جامعهٔ اسلامی در قرن سوم و چهارم تلفیقی از عرف، سنت، و قواعد برگرفته از اسلام، ایران، و همچنین عرب است. علاوه بر آن فرهنگ سیاسی اهل تسنن و تشیع نیز می‌باید در نظر گرفته شود. دستگاه خلافت تابع احکام و قواعد اهل تسنن و آل‌بویه مسلط بر دستگاه خلافت شیعه‌مذهب هستند و تعامل فقهای شیعی از جمله شیخ مفید، خاندان موسوی، شیخ رضی، شیخ مرتضی، و شیخ طوسی با دربار حکومت‌گران بویی در روش و منش سیاسی - مذهبی جامعهٔ اسلامی آن روزگار تأثیرگذار بوده است. در حالی که این دو مؤلفه در رابطه با رهبران و جامعهٔ اسلامی و میزان سهم هریک از فرق در تعریف‌ها و مصادیق ارائه شده مشخص نگردیده است. در ضمن آن‌که آداب و سنت‌های ایرانی نیز در محدودهٔ مورد بحث لحاظ نشده است. از جمله یکی از عوامل مهم و اساسی در قوام و دوام حکومت آل‌بویه پای‌بندی آنان به سنت کدخدانمنشی و به رسمیت‌شناختن جایگاه فرد بزرگ‌تر خاندان و وفاداری و اطاعت از او بوده است. این سنت سنتی نانوشته، ولی مورد پذیرش در میان خاندان‌های بزرگ ایرانی، به خصوص خاندان آل‌بویه، در این برهه از زمان بود. این سنت و قاعدهٔ اجتماعی در ساختار سیاسی دورهٔ آل‌بویه، به خصوص دورهٔ اول، نمود بیش‌تری دارد. آنان با رعایت و پای‌بندی به این سنت توانستند بر سه منطقهٔ مهم جبال، فارس، و بغداد تسلط یابند و به تثبیت قدرت خود پردازند. پای‌بندی آنان به این سنت تا آن‌جا بود که با وجود تسلط معزالدوله بر بغداد و خلیفه، او خود را نایب برادر بزرگ‌تر، عمادالدوله، می‌دانست. به طوری که بعد از تسلط بر بغداد و بصره به دیدار عمادالدوله رفت و بنا به گفتهٔ ابن‌اثیر «هنگام ملاقات زمین را بوسید و نزد او ایستاده بود تا امر به نشستن داد، ولی او نشست» (ابن‌اثیر ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م: ج ۸، ۴۶۹).

پس از مرگ عمادالدوله، رکن‌الدوله حفظ پیوند خویشاوندی و سیاسی را برعهده گرفت. ابن‌جوزی می‌نویسد: او میان پسرانش «به عهد و میثاق پیوند کرد و به انواع نصیحت و تربیت فرمود به حسن ائتلاف و اجماع و فرمود که در رأی و تدبیر و موافقت و متابعت

یک‌دیگر کلمه واحد باشند و از مخالفت و نفاق و شقاق و خلاف محترز و مجتنب» (ابن جوزی ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۰ م: ج ۸، ۴۰۱). ابن‌اثیر نیز تأکید می‌کند که معزالدوله به‌هنگام مرگ، پسرش عزالدوله را سفارش به اطاعت از عمویش، رکن‌الدوله کرد و این‌که در امور با او مشورت کند، هم‌چنین از او خواست تا از پسر عمویش، عضدالدوله، که بزرگ‌تر از او بود، اطاعت کند (ابن‌اثیر ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م: ج ۸، ۵۷۶). به‌موجب همین سنت، لشکرکشی عضدالدوله به بغداد، به‌بهانه ضعف عزالدوله، موجب خشم پدرش، رکن‌الدوله شد. به‌طوری‌که برای جلب رضایت پدر بلافاصله از بغداد بازگشت. او ترس آن داشت که «در این حین پدرش از دنیا برود و شیرازه کشور بگسلد» (ابن‌مسکویه رازی ۱۳۷۶: ج ۶، ۴۲۸). عضدالدوله هم‌چنین مخارج مراسمی را در اصفهان متقبل شد تا بتواند به‌عام و خاص نشان دهد که عهد او و پدرش هم‌چنان پابرجاست. در این مراسم «رکن‌الدوله در نزدیکی شهر بر بالای تپه‌ای بایستاد تا عضدالدوله پیش او پیاده شده، چندبار زمین را بوسید، سپس به نزدیک آمده، دست پدر را بوسید» (همان: ۴۳۰). توجه داشته باشیم این زمان، عضدالدوله در اوج قدرت سیاسی و مالی بود، ولی اقتدار نفوذ رکن‌الدوله براساس سنت کدخدانمنشی، او را ملزم به این رفتار سیاسی می‌کرده است. به این سنت مهم که به‌طور مستقیم در ارتباط با موضوع بحث است توجهی نشده است.

نویسنده به رقابت میان خاندان‌های بزرگ توجه نکرده است. تاریخ این دوره نشان می‌دهد گروهی از متحدان سابق و سرداران سپاه علی‌رغم سوگند وفاداری، بارها علیه آل‌بویه دست به شورش زده‌اند، یعنی عدم پای‌بندی به سوگند وفاداری. مشکل شورش برخی از خاندان‌های بزرگ دیلمی که قبلاً در جایگاهی برتر از آل‌بویه یا هم‌تراز با آنان قرار داشتند، تا دوره عضدالدوله که حکومتی متمرکز و مقتدر ایجاد کرد، از دل‌مشغولی‌های خاندان بویه محسوب می‌شد. شورش فرماندهان دیلمی از جمله ینال کوشه، گورگیر، اسپه‌دوست، روزبهان بن ونداد خورشید، بلکا و اسفار دوبرادر دیگر روزبهان و البته پیوستن گروهی از دیلمیان بدانان را می‌توان ذکر کرد.

به‌کارگیری اصطلاح «acquired loyalties» و ترجمه آن به وفاداری اکتسابی توسط مترجمان، معنا و فهم دقیقی از موضوع در ذهن متبادر نمی‌کند. این وفاداری اکتسابی درمقابل چه نوع وفاداری دیگر درنظر گرفته شده است، آیا وفاداری ذاتی هم داریم؟ وفاداری ناشی از علائق نژادی، پای‌بندی به عقاید یا باور و قراردادهای اجتماعی شکل می‌گیرد یا نتیجه احساس و عواطف ناشی از وابستگی‌های نسبی و سببی است. این فصل می‌توانست عنوانی گویاتر و مناسب با ادبیات دوره آل‌بویه داشته باشد، مثلاً به‌جای وفاداری

اكتسابی از عبارت «پیمان‌ها یا تعهدات الزام‌آور یا وفاداری برپایهٔ عرف جامعه یا الگوهای وفاداری و ...» استفاده می‌شد و برای انسجام بیشتر فصل، به انواع پیمان‌ها، عهدها، میثاق‌ها: عهد میان فرد با خدا، عهد میان مردم و خلیفه، عهد میان حکومت‌ها، همسایگان، عهد میان خلیفه و فرمان‌روایان، امیران یا سپاهیان، و غیره ... تقسیم می‌شد.

استفاده از مصادیق تاریخی بیش‌تری برای تبیین مطالب و هم‌چنین بحث دربارهٔ وفاداری و عوامل پیوند اجتماعی میان آل‌بویه و اقلیت‌های مذهبی که بعضاً جزو کارگزاران این حکومت نیز بودند، بر غنای علمی تحقیق می‌افزود که بدان توجه نشده است.

دیگر آن‌که مطالعات و شناخت مختصر مؤلف در زمینهٔ فقه سیاسی اسلام، به‌خصوص مذهب تشیع و جامعهٔ اسلامی دوران خلافت و ساختار سیاسی آن موجب گردیده تا اطلاعات ناکافی و گاه نادرستی ارائه گردد که انتظار می‌رفت مترجمان با توضیحاتی در پانویس به اصلاح اشکالات و توضیح کج‌فهمی‌ها و پالایش نادرستی‌ها اقدام می‌کردند، این اتفاق گاه توسط مترجمان ترجمهٔ اول صورت گرفته، ولی توضیحات مترجم ترجمهٔ دوم محدود به تاریخ واقعه یا ذکر معادل‌های انگلیسی در درون پرانتز است.

برای نمونه به چند نکته اشاره می‌شود؛ مؤلف می‌نویسد: «از پنج رکن اسلام که اغلب ستون‌های اصلی آن به‌شمار می‌آیند، چهار رکن کارهایی هستند که مسلمانان باید انجام دهند نه عقایدی که باید داشته باشند» (Mottahedeh 2001: 20). توضیح آن‌که اگر مقصود مؤلف اصول دین است، باید متذکر گردید: توحید و نبوت و معاد، به‌عنوان اصول دین اسلام، اعتقادی هستند و عدل و امامت، از ارکان مذهب تشیع، جنبهٔ اعتقادی و عملی توأمان دارد و اگر مقصود مؤلف فروع دین است، این فروع در میان اهل تسنن چهار و در میان اهل تشیع ده است. اهل سنت فروع را نماز، روزه، زکات، و حج و اهل تشیع نماز، روزه، حج، خمس، جهاد، زکات، امر به معروف، نهی از منکر، و تولی و تبری ذکر می‌کنند. البته در چنین مواردی وظیفهٔ مترجم است تا توضیح لازم برای تبیین صحیح موضوع را در پانویس بدهد که این‌گونه عمل نشده است. در ترجمهٔ اول، مترجمان متذکر شده‌اند: «این نظر نویسنده است درحالی‌که احادیثی در دست است مانند: الاعمال بالنیات که باورمندی را شرط قرار می‌دهد» (متحد ۱۳۸۸: ۵۰). هرچند این توضیح کافی نیست، در ترجمهٔ دوم هیچ توضیحی داده نشده است.

علاوه‌برآن، بررسی دیدگاه‌های مؤلف نشان می‌دهد که شناخت نویسنده بیش‌تر متکی به مذهب تسنن است نه تشیع. درحالی‌که تشیع یکی از عوامل مؤثر و مطرح در جامعهٔ دورهٔ موردبحث است.

«امام - خلیفه» اصطلاحی است که مؤلف در مورد خلیفه به کار می‌برد (Motthede 2001: 26). چرا از عبارت امام - خلیفه استفاده شده است؛ در فهم اهل تسنن، امامت در داخل معنای خلیفه مستتر است و در تشیع، امام برای فردی اطلاق می‌شود که قدرت معنوی و دنیوی را به نص در اختیار دارد. پس عبارت امام - خلیفه دلالت بر یک ویژگی دارد و به کارگیری هر کدام به تنهایی کفایت می‌کند. مثل این که بگوییم شاه - حاکم. اگر در متونی با عبارت نبی - حاکم یا فیلسوف - حاکم روبه‌رو می‌شویم، مقصود جمع دو ویژگی در یک فرد است.

متحده به خطبه غدیر و حدیث ثقلین اشاره می‌کند. او می‌نویسد: «خدا دو پناهگاه به جهان داده است: کتابش (قرآن) و سنت، یعنی راه و رسم پیامبرش» (ibid.: 8). سپس در چند صفحه بعد به پناهگاه سومی، که خاندان پیامبر است، اشاره می‌کند (ibid.: 11). بحث و توضیح بیش‌تر درباره خطبه غدیر و حدیث ثقلین که در تشیع برای تبیین ساختار سیاسی جامعه اسلامی بعد از پیامبر و چگونگی تعیین جانشینی ایشان و هم‌چنین ادامه روند جامعه اسلامی بر مدار ولایت اولوالامر ضروری است. انتظار می‌رفت مترجمان با مراجعه به ترجمه و تفسیر صحیح آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) و با استناد به منابع اهل تشیع و تسنن، در رفع شبهات اقدام می‌کردند. به‌خصوص متن درباره دوره زمانی نوشته شده است که قدرت معنوی خلافت سنی و حاکمان شیعه‌مذهب مسلط بر خلیفه توأمان حضور دارند، درحالی‌که بحث بدون توضیحات به پایان رسیده است.

هم‌چنین نویسنده تفاوتی میان علویان و اهل بیت پیامبر قائل نشده است و حال آن‌که اهل بیت پیامبر یعنی فرزندان علی (ع) از فاطمه (س) و علویان شامل همه فرزندان علی (ع) و اخلاف آنان می‌شود. این امر می‌باید تبیین و توضیح داده می‌شد. مطالبی نیز به جامعه و اوضاع سیاسی و آداب و رسوم زمان آل‌بویه مربوط می‌شود که می‌بایست با دقت بیش‌تری مورد بررسی قرار می‌گرفت. از جمله تغییر در وفاداری سپاهیان به خاندان بویه با ورود رسمی جدید، شاید برگرفته از رسوم سپاه ترک یا عرب‌ها، با عنوان «رسم‌البیعه» (Motthede 2001: 52). این سوگند، که درازای دریافت وجه صورت می‌گرفت و نه ایمان یا باور قلبی، هیچ‌گاه به لحاظ استحکام نمی‌توانست با سوگند وفاداری واقعی قابل قیاس باشد، زیرا در هر زمان ممکن بود شخص سوگندخورنده درازای وجه بیش‌تر سوگند خود را به فرد دیگری تغییر دهد و نمی‌تواند ملاک و معیار وفاداری شناخته شود و حال آن‌که در تقسیمات فصل دوم به‌عنوان بخشی از وفاداری اکتسابی مورد بررسی قرار گرفته است.

هم‌چنین مؤلف در ادامهٔ بحث مربوط به وفاداری‌های اکتسابی، از عملکرد مزدوران دیلمی (ibid.: 79-80) صحبت می‌کند که وفاداری آنان بستگی به مبلغی داشت که بدان‌ها پرداخت می‌شد. هر فرمانده که مبلغ بیش‌تری می‌پرداخت به او وفادار می‌ماندند. این وفاداری نیست، مزدوری است. وفاداری با تغییر شرایط نباید تغییر کند. وفاداری با یک ارزش معنوی همراه است و به‌باور و ایمانی قلبی نیاز دارد که با پول و منصب قابل‌خریداری نیست.

۴. نقدی بر ترجمهٔ کتاب

در یک کتاب ترجمه‌ای، علاوه‌بر بررسی و نقد محتوایی کتاب، می‌باید متن ترجمه‌شده نیز موردبررسی و ارزیابی قرار گیرد. مترجم یا مترجمان یک متن علمی می‌باید چندین تخصص توأمان داشته باشد. تسلط کامل به زبان و ادبیات و دستور زبان مبدأ و مقصد و مهم‌تر آن‌که متخصص در موضوع و رشتهٔ مربوطه باشند. به‌علاوه در متن تاریخی با اصطلاحات، واژه‌ها، فرهنگ و آداب و مذهب، و اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی سوژهٔ آشنایی کامل داشته باشند. تسلط مترجمان به موضوع کاستی‌های محقق را جبران می‌کند و توضیح اشکالات ناشی از فهم نادرست محقق از جامعهٔ دورهٔ موردبحث موجب می‌گردد تا متن قابل‌قبول‌تر و قابل‌فهم‌تری برای خوانندهٔ مقصد فراهم آید.

حال با عنایت به این‌که ترجمهٔ اول کتاب توسط دو مترجم، یکی با تخصص مترجم انگلیسی و دیگری با عنوان پژوهش‌گر تاریخ آل‌بویه و ترجمهٔ دوم توسط متخصص زبان و ادبیات فارسی صورت گرفته، به مطالبی در رابطه با ترجمهٔ کتاب می‌پردازیم.

عنوان اصلی کتاب *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society* است. ترجمهٔ اول عنوان «اوضاع اجتماعی آل‌بویه: وفاداری و رهبری در جامعهٔ اسلامی سده‌های نخستین» را برگزیده، البته با بزرگ‌نمایی در عبارت «آل‌بویه» و ترجمهٔ دوم «تاریخ اجتماعی ایران در عصر آل‌بویه» را عنوان اصلی قرار داده است. تعیین این عناوین ایجاد اشکال کرده است، زیرا اولاً قلمرو زمانی بحث در قرن چهارم و پنجم هجری و قلمرو مکانی آن قلمرو جامعهٔ اسلامی است، نه حکومت آل‌بویه. هرچند آل‌بویه در این زمان بر خلافت عباسی تسلط یافته بود، ولی برخی از قلمرو خلافت، به‌خصوص بخش‌های غربی، هیچ‌گاه قلمرو آل‌بویه به‌شمار نرفته است. ثانیاً با تأکید عنوان بر «آل‌بویه» انتظار خواننده

بررسی مؤلفه‌های وفاداری و رهبری در جامعه اسلامی خواهد بود که بر بررسی آن دو مؤلفه در جامعه‌ای که آل‌بویه از آن برخاسته و شاخصه‌هایی که آل‌بویه بدان پای‌بند بوده است، تأکید داشته باشد. حال آن‌که نویسنده بر جامعه اسلامی با تأکید بر رهبری خلافت و خلیفه در ساختار خلافت نظر دارد.

دیگر آن‌که از مهارت‌های ترجمه به‌کارگیری اصطلاحات زبان مقصد به‌جای معادل‌های زبان مبدأ است و در تحقیقات تاریخی استفاده از اصطلاحات زبانی و ادبیات دوره مورد بحث ضروری است. زبان فارسی در درازای تاریخ ایران دچار تحولاتی شده است. از آن‌جاکه اصطلاحات در زبان فارسی کاربرد خاص خود را دارد، آشنایی مترجم با اصطلاحات روزگار مورد بحث (قرن چهارم و پنجم هجری) می‌توانست ترجمه‌ای درست و آشنا و منطبق با متون دوره مورد بحث را ارائه دهد. متأسفانه ترجمه اصطلاحات، به‌خصوص در ترجمه دوم، با استفاده از واژه‌هایی نامأنوس صورت گرفته است. برای مثال در فارسی رابطه خویشاوندی با اصطلاح نسبی یا سببی بیان می‌گردد نه زوجی و اکتسابی (بنگرید به متحده ۱۳۹۴: پیش‌گفتار مؤلف).

دیگر ترجمه‌های تحت‌اللفظی اصطلاحاتی است که با ادبیات فارسی و ادبیات دوره آل‌بویه مطابقت ندارد، از جمله «آدم‌های جامعه» به‌جای «افراد جامعه» (همان: ۱۷)، به‌کاربردن اصطلاح «قرون وسطی» (همان: ۲۰) به‌جای «قرون میانه» (توضیح آن‌که در ایران دوره میانه با ویژگی‌های قرون وسطی در اروپا مطابقت ندارد)، استفاده از عبارت «غیب‌شده» درباره امام زمان (ع) به‌جای «غیبت کرده» (همان: ۳۰)، «کردار واقعی حکومت» به‌جای «عملکرد حکومت» (همان: ۴۲)، و خودداری از «سمت» به‌جای «کناره‌گیری از سمت» (همان: ۱۷۰)، در فصل وفاداری گروهی نیز عنوان «فرقه‌ها» به‌جای «اصناف و پیشه‌وران» (همان: ۱۷۶) آمده (توضیح آن‌که فرقه‌ها هویت مذهبی دارند)، در عنوانی دیگر «جنس» به‌جای «نژاد» آمده است (همان: ۱۸۵)، و ...

هم‌چنین در ترجمه دوم، اشاره شده است: «فرمان‌روا نماد مجسم وحدت امت اسلامی بود» (همان: ۳۳). در متن اصلی، نویسنده از واژه «خلیفه» استفاده کرده است نه «فرمان‌روا». در هیچ متن تاریخی از «خلیفه» با عنوان «فرمان‌روا» یاد نشده است. به‌خصوص این‌که به موازات قدرت معنوی خلیفه، به‌خصوص از قرن دوم فرمان‌روایان محلی با قدرت دنیوی، که اغلب از طرف خلیفه به آنان تفویض می‌شد، حکومت مناطق مختلف را برعهده داشتند. به‌کارگیری واژه فرمان‌روا، آن هم به‌منزله نماد مجسم وحدت جامعه اسلامی، اشتباه فاحشی است (متحده ۱۳۹۴).

باید یادآور شد که قدرت دنیوی و معنوی، که در ابتدای دورهٔ عباسی از آن یک نفر (خلیفه) بود، به تدریج با تشکیل حکومت‌های مستقل و به‌ظاهر نیمه‌مستقل در قلمروی اسلامی خلیفه را به تفویض قدرت دنیوی واداشت (بنگرید به ماوردی ۱۳۸۳: باب ۲، ۵۳-۶۸). ولی از نظر جهان اسلام، خلیفه هم‌چنان قدرت معنوی را داشت. او فرمان حکومتی برای فرمان‌روایان می‌فرستاد و به حکومت آنان اعتبار می‌بخشید، حتی زمانی که حکومت‌ها به استیلا یا تغلب به دست می‌آمد. حق انتخاب قاضی‌القضات و مقامات معنوی نیز از حقوق مسلم خلیفه به‌شمار می‌آمد.

دیگر آن‌که در ترجمهٔ دوم، اشاره شده است: «خلیفهٔ عباسی برای یک ولایت هم‌زمان به دو فرمان‌روا منشور حکومت نمی‌داد» (متحدہ ۱۳۹۴: ۷۶). در حالی که خلیفه‌المعتز فرمان حکومت کرمان را هم‌زمان برای یعقوب لیث صفاری و علی بن حسین بن شبلی صادر کرد (یعقوبی بی‌تا: ج ۲، ۴۹۵). هم‌چنین خلیفهٔ معتضد بنابه درخواست عمرو لیث صفاری فرمان حکومت ماوراءالنهر را برای او صادر کرد و هم‌زمان برای اسماعیل سامانی نوشت: «ما تو را از حکومت ماوراءالنهر عزل نکرده‌ایم» (گردیزی ۱۳۴۷: ۱۴۴). این نیز نمونهٔ دیگری از ترجمهٔ عجولانهٔ مترجم و هم‌چنین دلیلی بر عدم اطلاع کافی مترجم از وقایع تاریخی است، زیرا منظور مؤلف این بوده که «در این مقطع از تاریخ، خلیفه قدرت سابق را نداشت تا هم‌زمان برای یک منطقه به دو حکمران فرمان صادر کند تا فرد متمرکز را توسط آن دیگری از میان بردارد». این جمله در ترجمهٔ دوم به‌درستی برگردانده شده است (متحدہ ۱۳۸۸: ۷۱).

چه ضرورتی داشت که ترجمه‌ای مجدد از کتابی صورت گیرد که به‌مراتب با اغلاط املائی و گرامری، عدم فهم صحیح از متن اصلی، بدون هیچ‌گونه تلاش برای بهبود متن اصلی و حداقل انتقال صحیح متن به خواننده و بعضاً به‌کارگیری جملات نامفهوم (برای نمونه بنگرید به همان: ۷-۸، ۱۱، ۱۳، و ...) همراه باشد. ترجمهٔ اول با توجه به توضیحاتی که در صفحات پیشین ذکر شد، به‌لحاظ درک مفاهیم و هم به‌لحاظ توضیحات و روانی جملات قابل قبول‌تر است که مسلماً علت آن هم‌خوانی تخصص مترجمان با موضوع ترجمه است و همین امر بر غنا و اعتبار علمی ترجمهٔ اول کتاب افزوده است.

۵. نتیجه‌گیری

متحدہ، مؤلف کتاب مورد بحث، در صدد بوده تا به مدیریت جامعه‌ای اشاره کند که در آن روابط اجتماعی درون‌گروهی و رابطهٔ مردم با حکومت بر پایهٔ عملی غیررسمی، سنت

یا سوگند یا تعهدات الزام‌آور بر پایه عرف یا قواعد اجتماعی نانوشته تعریف می‌شده است و بدین ترتیب تأثیر منش‌های اجتماعی را در ساختارهای سیاسی جامعه بررسی می‌کند. نقد حاضر نشان داد که داشتن اشتراکات فرهنگی، اعتقادات دینی، و آشنایی مؤلف با مؤلفه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی دوره زمانی و جامعه موردنظر محقق می‌تواند در جامعیت‌بخشیدن به تحقیق شرایط بهتری را فراهم کند. این اشکال به‌طور محسوس، به‌خصوص در فهم از اسلام، احکام سیاسی اهل تسنن و شیعی، و شناخت از جامعه دوره آل‌بویه دیده می‌شود. از جمله: ۱. عدم تفکیک دیدگاه‌های اهل تسنن و تشیع، به‌خصوص در زمینه رهبری و ارائه تفسیرهای دو مذهب مذکور از حدیث ثقلین یا بحث از ارکان اسلام و ... ۲. باوجود تأکید بر تسلط آل‌بویه ایرانی و شیعه‌مذهب بر دستگاه خلافت، آداب و سنت‌های وفاداری در جامعه ایرانی، به‌خصوص دیلمیان که آل‌بویه برخاسته از آن است، از جمله سنت کدخدانمی، که الزام به وفاداری اعضای خاندان از فرد بزرگ‌تر خاندان دارد، نادیده گرفته شده است.

البته ترجمه فرد یا افرادی مسلط و متخصص در تاریخ آل‌بویه و خلافت عباسی می‌توانست با توضیحات تکمیلی، به رفع اشکالات ناشی از فهم نادرست و ناکافی مؤلف کمک کند و بر غنای علمی کتاب بیفزاید.

بررسی و مقایسه تطبیقی دو ترجمه به این نتیجه انجامید که ترجمه اول به‌لحاظ هم‌خوانی تخصص مترجمان با مؤلف، تخصص آنان در تاریخ آل‌بویه، و بالطبع تسلط در واژه‌های ادبی، فرهنگی، اوضاع اجتماعی، و سیاسی دستگاه خلافت و حکومت‌گران آل‌بویه و افزودن توضیحاتی هرچند ناقص متنی نسبتاً قابل‌قبول‌تر ارائه داده و همین امر انجام ترجمه دوم را با سؤال چرایی ضرورت آن روبه‌رو می‌کند.

کتاب‌نامه

ابن‌اثیر، عزالدین ابی‌الحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م)، *الکامل فی‌التاریخ*، ج ۸، بیروت: دار صادر.

ابن‌جوئی، جمال‌الدین ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۰ م)، *المنتظم فی‌تواریخ‌الملوک و الامم*، ج ۸، حقیقه و قدم سهیل زکار، بیروت: دار الفکر.

ابن‌مسکویه رازی (۱۳۷۶)، *تجارب‌الامم*، ترجمه علی‌نقی منزوی، ج ۶، تهران: توس.

فرای، ریچارد ن. (۱۳۵۸)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.

نقدی بر کتاب وفاداری و رهبری در جامعهٔ اوایل دورهٔ اسلامی ... ۱۳

کرمر، جوئل. ل. (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه: انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمهٔ محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۴۷)، *زین الاخبار*، مقابله و تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب (۱۳۸۳)، *آیین حکمرانی*، ترجمه و تحقیق حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.

متحده، روی (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر آل بویه: وفاداری و رهبری در ادوار آغازین جامعهٔ اسلامی*، ترجمهٔ محمد دهقانی، تهران: نامک.

متحده، روی پرویز (۱۳۸۸)، *اوضاع اجتماعی در دورهٔ آل بویه: وفاداری و رهبری در جامعهٔ اسلامی سده‌های نخستین*، ترجمهٔ محمدرضا مصباحی و علی یحیایی، مشهد: خانهٔ آبی.

متز، آدام (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رنسانس اسلامی)*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قره‌گزلو، تهران: امیرکبیر.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، ۲ ج، بیروت: دار صادر.

Mottahedeh, Roy P. (2000), *Loyalty and Leadership in an Early Islamic Society*, London: I. B. Tauris.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی